

Examining the Experience of Quarantine and Its Consequences from the Perspective of Iranian Pilgrims to the Holy Shrines during the Qajar Era

Shahla Bakhtiari¹
Mojgan Salai²

The pilgrimage journey of Iranians to the holy shrines (atabat al-aliyat) in Iraq—which was under Ottoman rule—was always accompanied by challenges. During the Qajar period, despite a relative improvement in political relations between the two states, the movement of pilgrims to the shrines continued. However, the outbreak of contagious diseases necessitated the imposition of border quarantines by the Ottoman authorities, which in certain cases caused considerable distress to Iranian pilgrims. The present study, employing a descriptive-analytical method and drawing upon archival documents, library-based sources, and the records of the Ministry of Foreign Affairs, examines the experience of quarantine and its consequences from the perspective of Iranian pilgrims to the holy shrines during the Qajar era. The findings of the research, grounded in the analysis of the surviving narratives of these pilgrims' experiences, demonstrate that quarantine—contrary to its original purpose of safeguarding public health—was in practice transformed into an arena for the exercise of arbitrary discretion and various forms of exploitation. The absence of codified and effective regulations, together with the high-handed conduct of quarantine officers (quarantinechis) on both sides of the border, generated an experience marked by distress, humiliation, and hardship for the pilgrims. These consequences were not merely financial and economic in nature; they also acquired political and military dimensions and exerted a lasting influence on the manner of interaction and the perceptions that Iranian pilgrims held toward the ruling authorities of the time.

▪ **Keywords:**

Iran, Qajar, Ottoman, Holy Shrines, Iranian Pilgrims, Quarantine.

¹. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, History, and Languages, Al-Zahra University, Tehran, Iran (corresponding author). sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir.

². M.A. Graduate in History of Islam, Faculty of Literature, History, and Languages, Al-Zahra University, Tehran, Iran. mozhgan.salay@org.ikiu.ac.ir



بررسی تجربه قرنطینه و پیامدهای آن از منظر زائران ایرانی عتبات در دوره قاجار

شبهلا بختیاری^۱

مژگان صلائی^۲

چکیده

سفر زیارتی ایرانیان به عتبات عالیات در عراق که تحت حاکمیت عثمانی قرار داشت، همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. در دوره قاجار با وجود بهبود نسبی روابط سیاسی میان دو دولت، رفت‌وآمد زائران به عتبات ادامه یافت. اما شیوع بیماری‌های واگیردار، لزوم برقراری قرنطینه‌های مرزی را از سوی عثمانی ایجاب می‌کرد که در برخی موارد موجبات تشفی خاطر زائران ایرانی می‌شد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و اسناد وزارت امور خارجه به بررسی تجربه قرنطینه و پیامدهای آن از منظر زائران ایرانی عتبات در دوره قاجار می‌پردازد. یافته‌های پژوهش که بر پایه تحلیل روایت‌های برجای‌مانده از تجربه این زائران شکل گرفته، نشان می‌دهد که قرنطینه برخلاف هدف اولیه خود که حفظ بهداشت و سلامت عمومی بود، در عمل به صحنه‌ای برای اعمال سلیقه‌ها و سوءاستفاده‌های متعدد تبدیل شد. فقدان قوانین مدون و کارآمد و نیز رفتار خودسرانه مأموران قرنطینه (قرنطینه‌چی‌ها) در دو سوی مرز، تجربه‌ای توأم با آزردهی، تحقیر و دشواری برای زائران رقم زد. این پیامدها نه تنها جنبه مالی و اقتصادی داشت، بلکه ابعاد سیاسی و نظامی نیز یافت و بر نحوه تعامل و نگاه زائران ایرانی به حاکمیت‌های وقت تأثیرگذار بود.

واژگان کلیدی:

ایران، قاجار، عثمانی، عتبات عالیات، زائران ایرانی، قرنطینه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

^۱. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات، تاریخ و زبان‌های دانشگاه الزهرا (س)، تهران-ایران (نویسنده مسئول) sh.bakhtiani@alzahra.ac.ir

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشکده ادبیات، تاریخ و زبان‌ها، دانشگاه الزهرا (س)، تهران-ایران

mozghan.salay@org.ikiu.ac.ir



اشتیاق به زیارت حج و اماکن مقدسه به ویژه بقاع متبرک امامان شیعه در عراق یکی از آرزوهای ایرانیان بود. وجود این مکان‌های مقدس در سرزمین‌های عثمانی، سفرهای زیارتی ایرانی‌ها را به موضوع سیاسی تبدیل کرد که نقشی تعیین‌کننده و مهم در روابط ایران و عثمانی داشت. به طور خاص در آغاز حکومت قاجار، جنگ‌های ایران و عثمانی مانعی برای سفرهای زیارتی محسوب می‌شد، اما بعد از برقراری صلح میان حکومت ایران و عثمانی و همچنین سفر ناصرالدین شاه به عتبات عالیات روابط نوینی بین دو کشور آغاز گردید و مذاکرات آنها با مدحت پاشا صدراعظم عثمانی، افزون بر ابعاد سیاسی، به ائتلاف‌هایی منتهی شد که بر مبنای آن شرایط سفر زیارتی ایرانیان را به عتبات و مکه بهبود می‌بخشید و امنیت بیشتری برای مسافران به‌وجود می‌آورد (Elton, 2002: 227).

از دوره ناصری به بعد و با توجه به تغییر و تحولات در دنیای سیاست، این سفرها با وسعت بیشتری به عتبات و حج ادامه پیدا کرد. با اینکه این دو سفر مذهبی به طور معمول با هم انجام می‌شد، اما زائران عتبات راهی سخت را در پیش رو داشتند. آنها با پیش‌بینی و اطمینان از سختی‌های فراوان راه، عازم این سفر مقدس شده و مسائل زیادی را از سر می‌گذراندند. علاوه بر مشکلات سیاسی و معضلاتی مانند ناامنی راه‌ها، دزدسرهایی نیز بر اثر پدیده‌های طبیعی مانند گرمای هوا و کم‌آبی، شیوع بیماری‌ها، سلامتی زائران عتبات و حجاج را تهدید می‌کرد. در تدبیر برای حل این مشکلات، قرنطینه‌هایی برای پیشگیری از این بیماری‌ها راه‌اندازی شد که اغلب نه تنها از بیماری‌ها جلوگیری نمی‌کرد، بلکه در مواردی به گسترش آنها منجر می‌شد (بختیاری و صلائی، ۱۴۰۰: ۲۴).

در حقیقت، شیوع بیماری‌های همه‌گیر در دوره قاجار یکی از نگرانی‌ها در میان عموم مردم بود و پیشگیری از این بیماری‌ها و کنترل و جلوگیری از سرایت بیشتر آنها نیز دغدغه‌ای برای حاکمان محسوب می‌شد. باید اذعان کرد که یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با این تهدید در آن عصر، استفاده از قرنطینه بود.

در تعریفی؛ قرنطینه^۱ به مکانی اطلاق می‌شود که در آن عابران و مسافران را بررسی و از ورود افرادی که نشانه بیماری دارند، جلوگیری می‌کنند. این کلمه از واژه "کاران تن" فرانسوی گرفته شده است (دهخدا، ۱۳۷۱: ۲۳۴). در تعریفی دیگر، قرنطینه «جایی که در آن مسافرانی را که از سر زمینی وارد می‌شوند که در آن‌جا بیماری مانند وبا و طاعون شیوع دارد، مدت چند روز نگهداری می‌کنند» (معین، ۱۳۷۱: ۲۶۶۶). در فرهنگ لغت آکسفورد،

^۱. Quarantaine

قرنطینه به معنای «محدودیت اجباری در رفت و آمد افراد یا حیوانات به منظور جلوگیری از شیوع بیماری» آمده است. این واژه به طور خاص به دوره‌ای از زمان (معمولاً ۴۰ روز) اشاره دارد که طی آن افراد یا حیوانات مشکوک به ابتلاء به یک بیماری عفونی در مکانی جداگانه نگهداری می‌شوند تا از انتقال بیماری به دیگران جلوگیری شود (Oxford English Dictionary, 2000:1233).

واژه "اعمال محدودیت" در تعریف‌های فوق برای ممانعت از افزایش بیماری‌ها و گسترده‌تر شدن فضاهای آلوده بوده است و سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و به دوران کهن بازمی‌گردد. همانطور که مارکوپولو در سفرنامه خود گزارش داده که وقتی به دروازه شهر تبریز رسیدند، بیماری طاعون در شهر شیوع پیدا کرده و در نتیجه این حادثه دروازه‌های شهر را بسته بودند و او ناچار شد چهل شبانه روز را در این شهر بگذراند (پولو، ۱۳۵۰: ۲۰۰). اولین قانون قرنطینه در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۳۷۷م. در شهر راگوسا آغاز شد (The Republic of Ragusa, 2021: 2) و گزارش‌های رسمی استفاده از سیستم قرنطینه در مرزهای ایران عصر قاجار را تأیید می‌کند.

از منظر روایت‌شناسی، "روایت" و "تجربه" کنشگران اصلی این فرآیند یعنی زائران بسیار مهم است. تجربه و خاطرات حضور در قرنطینه‌های مرزهای ایران و عثمانی و ذکر تأسیسات و چالش‌های آن، دریچه‌ای نو برای پژوهشگران می‌گشاید. این روایت‌ها صرفاً گزارشی از یک رخداد بهداشتی نیستند، بلکه به مثابه "سند زیسته"^۱ و منبعی برای فهم کیفیت مواجهه زائر ایرانی با ساختارهای قدرت دیگری (دولت عثمانی) و فرآیندهای مدرن دیپلماتیک و بهداشتی عمل می‌کنند. بنا بر این، پرسش اصلی پژوهش حاضر نه معطوف به کارکرد پزشکی قرنطینه، بلکه معطوف به کیفیت تجربه زائران در این مکان‌هاست. تصویرسازی تجربه‌ای زائران، امکان بررسی کارکرد قرنطینه‌های مستقر در مرزها و کارآمدی آنها را از طریق تجربه زیسته ناشی از انباشت دانسته‌ها فراهم می‌کند که می‌تواند در مطالعات تاریخی جوامع بااهمیت تلقی شود.

با توجه به اسناد و روایت‌های برجای‌مانده از راویان حاضر در قرنطینه‌ها که شامل زائران ایرانی عتبات می‌شد و با تکیه بر شرح چالش‌ها و مشکلاتی که از نگاه و زبان زوآر به صورت مفصل و گاه با جزئیات مطرح گردیده است، این فرضیه تقویت می‌شود که قرنطینه در تجربه زائران ایرانی، پوسته‌ای ظاهری با هدف بهره‌برداری سیاسی، نظامی و سوءاستفاده‌های مالی و اقتصادی بوده است. این پژوهش با تمرکز بر "منظر زائر" و با استفاده از ظرفیت

¹. Lived Document

"تاریخ‌نگاری خُرد"^۱ در پی آن است که نشان دهد چگونه تجربه قرنطینه به مثابه یک "آزمایشگاه اجتماعی"، نه تنها بر زیست‌جهان زائران تأثیر گذاشت، بلکه بازتابی از مناسبات قدرت، دیپلماسی عمومی و فرهنگ مرزی در دوره قاجار نیز محسوب می‌شود.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت شرح چالش‌ها و مشکلات زائران ایرانی عتبات در قرنطینه‌های دوره قاجار، این امر در پژوهش‌های تاریخی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هر چند نگاشته‌هایی در باره قرنطینه و بیماری‌های همه‌گیر وجود دارد، اما غفلت از منظر کنشگران اصلی یعنی زائران و روایت تجربه‌های برجای‌مانده از آنان موجب شده که این پژوهش‌ها نتوانند تصویری تمام‌نما از پدیده قرنطینه ارائه دهند. برای نمونه، مقاله زهرا عامری و سید احمد حبیب‌نژاد (۱۴۰۰) با عنوان «اعمال قرنطینه برای کنترل بیماری‌های واگیردار با نگاهی به نظام حقوقی ایران»، خلأ قانونی در نظام حقوقی ایران در باره قرنطینه را مورد بررسی قرار داده است. همچنین در مورد رابطه قرنطینه با راهکارهای بهداشتی و نحوه مواجهه با بیماری‌های واگیردار در رخدادهای متعدد تاریخ ایران آثاری نگاشته شده است. مقاله مشترک داریوش رحمانیان و آفرین توکلی (۱۳۸۹) با نام «بهداشت و سیاست در دوره رضا شاه (مطالعه موردی: قرنطینه جنوب)» و نیز مقاله مشترک آفرین توکلی و لیلا مرادی والینی (۱۳۸۹) «قرنطینه‌ی جنوب و تأثیر آن بر رقابت‌های جهانی در جنگ جهانی اول» و مقاله امیرعلی حسنلو (۱۳۹۹) «سیر تاریخی بیماری‌های واگیردار در ممالک اسلامی و نوع مواجهه با آن» مطالب خوبی ارائه می‌دهند. پژوهش‌های مسعود کشیری و مرتضی دهقان‌نژاد (۱۳۹۰) و شهرزاد ماشینچی ماهر (۱۳۹۲) در موضوع دفن مردگان و داریوش رحمانیان و ثریا شهنسوازی (۱۳۹۱) با امر حمل جناز نیز در این مجموعه هستند. در مقاله شهلا بختیاری و مژگان صلائی (۱۴۰۰) با عنوان: «مشکلات سفرهای زیارتی زنان مطالعه موردی: زیارت کربلا در دوره دوم قاجار» در بحث مشکلات سفرهای زیارتی زنان، قرنطینه ابزاری برای آزار زائران تلقی شده است.

پژوهش پیش رو بر "تجربه" به عنوان یک منبع تاریخی و مفهومی در زیست زائران تمرکز دارد. راینهارت کوزلک (۱۹۷۹) در مقاله «فضای تجربه و افق انتظار: دو مقوله تاریخی»، تجربه را به عنوان مقوله‌ای معرفتی برای فهم تاریخ معرفی می‌کند. وی در این مقاله مطرح می‌کند که هیچ تاریخی وجود ندارد که با میانجیگری تجربه‌ها و انتظارات انسان‌ها ساخته نشده باشد. ایده این مورخ شهیر برای پژوهش پیش رو که بر تجربه از منظر

¹. Microhistory

زائر تمرکز دارد، یک چارچوب نظری مناسبی فراهم می‌کند. کوزلک "تجربه" و "انتظار"^۱ را به مثابه دو مقوله فراتاریخی^۲ معرفی می‌کند که پیش‌شرط‌های انسان‌شناختی امکان وقوع تاریخ را فراهم می‌آورند. از دیدگاه او، هر کنش تاریخی در میانه "فضای تجربه" (مجموعه دانسته‌ها و دریافته‌های انباشته از گذشته) و "افق انتظار" (پیش‌بینی‌ها و آرزوهای معطوف به آینده) شکل می‌گیرد. وی تأکید می‌کند که تجربه اساساً فضامند^۴ است، زیرا از لایه‌های مختلف زمان‌های پیشین در کلیتی هم‌زمان گرد آمده است. این مفهوم‌پردازی برای پژوهش حاضر که بر "منظر زائر" و "تجربه زیسته" او در قرنطینه متمرکز است، اهمیت بنیادین دارد، زیرا امکان تحلیل روایت‌های زائران را نه صرفاً به عنوان گزارش‌های پراکنده، بلکه به مثابه "فضای تجربه" ای فراهم می‌کند که در میانه ساختارهای قدرت (دولت‌ها) و افق‌های انتظار (زیارت) شکل گرفته است.^۵

در پژوهش حاضر قرار بر خرق عادت در نگاه به قرنطینه است، زیرا نویسندگان آن را نه به عنوان قانون حاکمیت‌های سیاسی، حقوقی یا صرفاً بهداشتی، بلکه به مثابه پدیده‌ای انسانی و چند لایه می‌نگرند که با روایت حاضرین صحنه از درون قرنطینه‌ها و تحلیل تجربه زیسته زائران که قرنطینه را از نزدیک مشاهده و درک کرده‌اند، مسیر تحقیق را طی کرده‌اند.

توجه ایران و عثمانی به قرنطینه

مرزها در طول تاریخ همواره در پیشگیری از بیماری‌های مسری مانند طاعون و وبا نقشی کلیدی داشتند. در دوره قاجار، حکومت ایران گاه به دلیل نیاز دولت‌های همسایه، گاه به دلیل ایجاب شرایط و یا به اراده و نیاز خود در مناطق مرزی اقدام به ایجاد قرنطینه می‌کرد. اگر چه قرنطینه در برخی موارد برای پیشگیری یا کنترل بیماری در مسیر زائران به عتبات ضروری می‌نمود، اما نکته قابل تأمل آنکه این تأسیسات منافع مالی، سیاسی و نظامی فراوانی برای دولت‌ها به همراه داشت و نوعی فرصت‌آفرینی برای آنان محسوب می‌شد.

^۱. Erfahrung

^۲. Erwartung

^۳. metahistorical

^۴. spatial

^۵. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: راینهارت کوزلک، «فضای تجربه و افق انتظار: دو مقوله‌ی تاریخی»، مجله نقد اقتصاد سیاسی، شهریور ۱۴۰۳، ترجمه: امیر صفری.

الف - مهم‌ترین دلیل برپایی قرنطینه

مهم‌ترین دلیل برپایی قرنطینه، مقابله با شیوع بیماری بود. گزارش‌های متعدد در منابع تاریخی نشان می‌دهد که دو حکومت قاجار در ایران و عثمانی در عراق از این شیوه برای حفظ سلامت مردم سرزمین خود بهره می‌گرفتند. به روایت کلنل چریکف^۱، افسر روسی که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه در ایران حضور داشت، به شیوع وبا در کرمانشاه اشاره می‌کند که وبا از بصره به کربلا سرایت کرد و سپس در بغداد و خانقین در حوالی رودخانه کارون و کرمانشاه شیوع یافت و تلفات بسیاری برجای گذاشت (چریکف، ۱۳۷۹: ۱۸۰). در چنین شرایطی، ایران با برقراری قرنطینه می‌کوشید از ورود بیماری از عراق به خاک خود جلوگیری کند.

گاه چند بیماری واگیر با فاصله زمانی اندک و به مدت چند سال مردم را درگیر می‌کرد و مشکلات فراوانی را از قبیل تلفات بالای انسانی به وجود می‌آورد و شرایط اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌داد. ویلم فلور پژوهشگر تاریخ ایران در گزارشی اعلام می‌دارد که در دوره قاجار حدود سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۳ م. هفت همه‌گیری عمده وبا در ایران رخ داد که دوبار آن در سال‌های ۱۸۶۹-۱۸۶۸ م. و ۱۹۰۳ م. وبا از عراق وارد ایران شده و تلفات سنگینی برجای گذاشت. به گفته وی، وبا معمولاً از طریق هند، روسیه و عراق وارد ایران می‌شد (فلور، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۶). در واقع قرنطینه برای جلوگیری از سرایت بیشتر بیماری، کنترل و مدیریت مناطق آلوده به کار گرفته می‌شد.

سیریل الگود^۲، پزشک سابق سفارت انگلستان در ایران و مؤلف کتاب *تاریخ پزشکی ایران* معتقد بود که شهرهای ایران به دلیل قرارگیری در ارتفاعات، هرگز منشأ بیماری‌هایی چون وبا و طاعون نبودند، اما هر بار که یکی از این بیماری‌ها به ویژه وبا در کشورهای همسایه شیوع می‌یافت، تمام شهرهای ایران به آن آلوده می‌شدند. به گفته وی در سال ۱۸۳۱ م. وبا از بغداد به کرمانشاه رسید، در حالی که تلفات آن در بغداد و بصره بسیار وحشتناک بود (الگود، ۱۳۵۲: ۶۵۹-۶۵۸). پولاک^۳ نیز بر همین نکته تأکید کرده و معتقد بود که طاعون هیچگاه در ایران پایدار نمی‌شد (پولاک، ۱۳۶۱: ۵۰۲).

مطابق نکات ذکرشده، مهم‌ترین دلیل برپایی قرنطینه جلوگیری از شیوع بیماری مسری و کنترل آن بود، اما راستی‌آزمایی این دلیل را باید از آنچه که در قرنطینه‌ها اجراء می‌شد و از دل روایت افراد حاضر در آنها مورد بررسی قرار داد تا میزان موفقیت یا عدم موفقیت

^۱. Cherikof

^۲. Cyril Elgood

^۳. Polak

قرنطینه‌ها و پایبندی به دلیل برگزاری آن که در جهت سلامتی زائران عتبات ایرانی بوده است، روشن شود.

ب- قرنطینه بهانه‌ای برای تقویت مواضع نظامی

در برخی موارد قرنطینه بهانه‌ای بود تا حکومت‌ها مواضع نظامی یا سیاسی خود را تقویت کنند. اسنادی وجود دارد که نشان‌دهنده استفاده ابزاری حکومت همسایه ایران به‌ویژه در مرزهای زیارتی دوره قاجار از قرنطینه است. بر اساس این اسناد، مأموران عثمانی به بهانه ایجاد قرنطینه در شهر مرزی قزل دیزیج، شصت عراده توپ و تعداد زیادی نظامی به این منطقه آوردند و به سرحدات ایران تجاوز کردند (کاووسی‌عراقی، ۱۳۸۱: ۳۶۳-۳۶۲). روشن است که ایجاد قرنطینه نیازی به توپ و گلوله نداشت و حتی اگر تأمین امنیت قرنطینه نیز مد نظر بود، حجم تجهیزات و کاربرد بی‌مورد آن برای اشغالگری و تجاوز به مرزها، نیت واقعی استفاده‌کنندگان را آشکار می‌ساخت.

قوانین، امکانات و مؤسسات بهداشتی برای برپایی قرنطینه

تلفات انسانی که بر اثر بیماری‌های مسری به وجود می‌آمد، باعث شد تا حاکمان نسبت به وضع قوانین برای قرنطینه‌ها و تعیین مکان‌هایی برای استقرار امکانات بهداشتی اقدام کنند. چنانکه در سال ۱۲۴۷ق. ایران شاهد شیوع بیماری طاعون بود که از طریق عثمانی وارد ایران شد و بخش‌های مختلفی از کشور را درگیر کرد. این بیماری که به عنوان یکی از مرگبارترین بیماری‌های تاریخ شناخته می‌شود، تلفات قابل توجهی در برخی مناطق به جای گذاشت. تهران نیز از این بیماری در امان نماند، هر چند خسارات آن در این شهر نسبت به سایر مناطق کمتر بود: «و این بلا در اکثر بلاد ایران سرایت کرد هم‌چنانکه [این بلا] سال‌ها در نهایند و کرمانشاهان، بروجرد، همدان و آذربایجان و سایر [مناطق ایران] بود و نیمی از مردم را از بین برد. در طهران زیان کمی کرد و کاشان و قم و یزد و اصفهان محفوظ ماند» (ناسخ‌التواریخ، ۱۳۵۱: ۶۱).

در منابع دیگر نیز به شیوع این بیماری اشاره شده است، چنانکه رابینو^۱ نماینده سیاسی انگلستان در شهر رشت نوشته: «در حدود سال ۳۱- ۱۸۳۰ میلادی طاعون در گیلان شیوع یافت و طی چند هفته نصف جمعیت رشت که بالغ بر چهل هزار نفر می‌شدند هلاک شدند و بقیه به هر طرف که پیش آمد گریختند. در مدت کوتاه جز تعدادی از اجساد

^۱. Rabino

مردگان در این شهر چیزی نماند و به شکل شهری مرده درآمد» (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۵۱). همچنین حدود ۶۰ سال پس از این اتفاق، دکتر فووریه^۱ پزشک مخصوص ناصرالدین شاه در سفرنامه خود از شیوع وبا در ایران یاد کرده است. او در یادداشت ۱۱ اکتبر ۱۸۸۹ نوشته: «بر طبق اخبار واصله وبا از طریق بغداد در حدود غربی ایران ظاهر شده و گویا به شهر کرمانشاه هم رسیده است» (فووریه، ۱۳۶۸: ۱۶۰).

فووریه چندی بعد در نامه‌ای به طیب وزیر جنگ، میرزا علیخان که فرانسوی و ساکن کردستان بود، نوشت: «این مشقت و بلا مشابه همان وبایی است که پیدایش آن را در شهر کرمانشاه به ما اطلاع داده بودند. این وبا بعد از وارد کردن تلفات بسیار زیاد در عراق عرب، از طریق کاروان که به شوشتر و از راه دیاله عراق به کرمانشاه رسیده و فی الحال از آنجا به سنج و ملایر و همدان در قسمت شرقی تهران سر برآورده است» (فووریه، ۱۳۶۸: ۲۱۵). بیماری‌هایی که به مرزها و داخل ایران نفوذ کرده بود، حکومت قاجار را بر آن داشت قرنطینه در مرزها را به شکل محیط بهداشتی صحرایی با امکانات روز آن زمان برای زائران عتبات و حج فراهم آورد تا بیماری به این حد گسترش نیابد. دولت عثمانی نیز این موضوع را بر ذمه خود می‌دانست. بنا بر این، استفاده صحیح از قرنطینه و به کارگیری به موقع آن، وظیفه دولت‌ها برای حفظ جامعه خود از بلایا بوده است.

در پی شیوع وبا در سال ۱۲۶۷ ق. / ۱۸۵۱ م. امیرکبیر دستور قرنطینه بین مرزهای دو کشور ایران و عراق را صادر کرد (فلور، ۱۳۸۹: ۲۹۹). علت این امر گزارش‌های رسیده پیرو بروز بیماری وبا در عتبات عالیات و مخاطرات شیوع آن در ایران بود (آدمیت، ۱۳۹۲: ۳۳۴). دستور امیرکبیر از این قرار بود: «بسیار لازم است که برای محافظت ممالک محروسه از ناخوشی و آلودگی مزبور (وبا) و نشر و سرایت آن به ممالک محروسه در مرزها قاعده گراختین (قرنطینه) که منفعت آن به کرات به تجربه رسیده است گذاشته شود تا مسافران را چند روزی در آنجا نگه دارند» (آدمیت، ۱۳۹۲: ۳۳۴). آدمیت در باره حکم امیرکبیر و در احداث قرنطینه نوشته است: فرمان میرزا تقی خان در این موضوع، خصوصاً حاشیه‌ای که با دستخط خود بدان مرقوم اضافه کرده، قابل توجه است. امیرکبیر برای مدیریت قرنطینه و جلوگیری از سودجویی و سوءاستفاده مأموران مرزی از قانون مذکور در حاشیه مکاتبه مزبور افزود: «مواظب باشید که این اقدام مایه مداخل مستحفظین نشود و بنیاد آزار و اذیت را گذاشته، مترددین را به مشقت نیندازند، بلکه مایه نظم گردد» (آدمیت، ۱۳۹۲: ۳۳۴).

¹. Dr Feuvrier

شیوع بیماری در کشور همسایه باعث می‌شد تا حاکمان به محض اطلاع، امکاناتی را برای ایجاد قرنطینه فراهم کنند تا مانع از ورود بیماری به کشور شوند و سفراء و سفارت‌ها نقشی مهم در این زمینه ایفاء می‌کردند. برای نمونه، نامه‌ای در تاریخ ۵ ربیع‌الثانی ۱۲۹۳ ق. از کارپرداز بغداد به وزارت خارجه ارسال می‌شود با این مضمون که در پی شیوع بیماری همه‌گیر در حله و نجف و برای جلوگیری از رخنه بیماری به داخل کشور در شهرهای خانقین، یعقوبیه و شهربان که سر مرز با عثمانی قرار گرفته‌اند پست قرنطینه احداث کنند (کاووسی عراقی، ۱۳۸۱: ۳۶۲).

قرنطینه در تمام موقعیت‌ها یک‌دست نبود، بلکه از جمله بسته به شرایط خاص بیماری و نیز گسترش در مناطق خاص جغرافیایی مدیریت می‌شد. در واقع، حکومت‌ها قوانین یکسانی برای قرنطینه در نظر نمی‌گرفتند و به طور مثال گنجایش این قرنطینه‌ها مختلف و با عنایت به تعداد زوآر قابلیت افزایش داشت. در متن گزارشی به تاریخ بیست‌ونهم محرم ۱۳۰۷ ق. / ۱۸۸۹ م. از شهر قصرشیرین چنین به دست آمده که: «نزدیک به چهار هزار نفر در قرانتین متوقف شده‌اند. چون تعداد زوآر افزایش یافته، از ایالت فرمان داده شده که مجدداً سی باب چادر برای اقامت زائران بسازند. پول نقد هم از طرف ایالت به فقرا و پیادگان زوآر می‌دهند. سه روز تخفیف داده‌اند، از موعده روز توقف و از جهت آذوقه نهایت آسایش را دارند» (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۸۳). در گزارشی دیگر اشاره شده است که دولت عثمانی تا سال ۱۲۹۲ ق. / ۱۸۷۵ م. در ورودی‌های اصلی در خانقین، قصرشیرین و بصره چهار ایستگاه قرنطینه ساخت (Ates, 2010: 81).

در هنگامه شیوع بیماری جان هزاران نفر از مردم به طور مستقیم مورد تهدید قرار می‌گرفت، حتی افرادی که فرسنگ‌ها از محل انتشار بیماری فاصله داشتند نیز در معرض آسیب و خطر بودند. بنا بر این، حاکمان برای جلوگیری از چنین فجایی که بر اثر بیماری همه‌گیر به وجود می‌آمد، اقدام به ایجاد قرنطینه، وضع قوانین و اجرای آن و تهیه امکانات بهداشتی لازم می‌کردند. امروزه میزان تأثیر قرنطینه‌ها محل بررسی است که از روایت "تجربه" مردمان حاضر در آنها و نیز از طریق اسناد و منابع تاریخی، مورد پژوهش قرار خواهند گرفت. همچنین سنجش میزان موفقیت قرنطینه‌ها، حاصل بررسی روایت تجربه زائران و انتظاری که از انباشت آن تجربه‌ها به دست آمده، فضای پژوهش را رقم خواهد زد.

وادی نخست: تجربه زیسته زائران در قرنطینه و دریافت‌ها از گذشته

۱: ورود به قرنطینه (تجربه آغازین)

بخشی از روایت قرنطینه را می‌توان از زبان زائرانی شنید که تجربه زیسته اقامت در آن را ثبت و ضبط کرده‌اند. مردم به عنوان کنشگران اصلی و یا هدف قرنطینه، گزارش‌هایی از قرنطینه‌های دوران قاجار ارائه داده‌اند که می‌توان آنها را گونه دوم روایت و یا روایتی متفاوت از جنس روایات حاکمیت‌ها دانست. افراد حاضر در ماجرا، شاهد اتفاقات درون قرنطینه‌ها و سفرکرده‌هایی بودند که با حضور و گرفتار شدن در مشکلات آنجا در نوشته‌ها و سخنان خود نشانه‌ها و دلایل متفاوت از برگزاری قرنطینه و چالش‌های آن را در قالب تجربه زیسته ارائه می‌دهند. طبق برخی گزارش‌های برجای مانده، گاه شرایط قرنطینه بسیار فاجعه‌بار بود تا جایی که توسط زائران و حجاج به زندان تعبیر می‌شده است، چنانکه ناظم‌الملک گفته: «قایقی آورده همه را سوار کرده، به محل قرانتینه بردند. ترتیبات قرانتینه نبود. فقط به ازادی (کذا) حبس بود هفت روز نگه داشتند. بعد از هفت روز، سی و پنج روپیه و چهار قروش از ما کرایه قرانتینه گرفتند» (ناظم‌الملک، ۱۳۳۲ق./۱۲۹۳ش. : ۱۰۵).

۲: تشریفات، بازرسی‌ها و زمان انتظار

بازرسی‌ها و تشریفات ورود به قرنطینه، اغلب با رفتار تحقیرآمیز مأموران همراه بود. به گفته فراهانی: «عسکرها نمی‌گذارند متفرق شوند همین که همگی اهل یک واپور در جلوخان عمارت جمع شدند، اطلاع می‌دهند که بیایند و بلیت بگیرند و داخل قرانطین شوند [...] اگر ناخوش مسری نباشد مدت توقف در قرانطین چهل و هشت ساعت است و اگر در بین چهل و هشت ساعت کسی در خشکی مرد دوباره تجدید مدت خواهد شد» (فراهانی، ۱۳۶۲: ۲۴۷-۲۴۵). طولانی شدن مدت قرنطینه که گاه تا پانزده روز نیز می‌رسید، موجبات اعتراض زائران را فراهم می‌آورد (Ates, 2010: 81).

وادی دوم: زیستن در قرنطینه: انباشت دانسته‌ها و تجربه استمراری

۱- نامناسب بودن شرایط بهداشتی قرنطینه

اسناد برجای مانده از دوره قاجار، تصویری آشفته از شرایط بهداشتی قرنطینه‌ها ارائه می‌دهند. در بررسی این اسناد با سندی روبرو شدیم که محمد یزدی از شهر طبس آن را نگاشته است. وی از یک خانواده به نام عبدالغفور به همراه همسر و دخترش که بر اثر

شکمروی^۱ در قرنطینه مرده بودند، یاد می‌کند. البته از بیماری آنها که احتمالاً وبا بوده، نام نمی‌برد. اما از شرایط بهداشتی قرنطینه‌ها شکایت می‌کند که انسان‌ها در میان فضولات خود در یک اتاق زندگی می‌کردند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران: س ۱۶- پ ۵- ک ۲۰- ۱۳۱۸ق). این گزارش و گزارش‌های مشابه از درون قرنطینه که در زمان وقوع اتفاقات روایت شده و جزو منابع دست اول است، نشان می‌دهد که شرایط بهداشتی در قرنطینه‌ها اوضاع مناسبی نداشته و باعث آزدگی حجاج و زائران ایرانی می‌شده است. چنین گزارش‌هایی سبب شد تا دولت قاجار مذاکراتی را برای کاستن مدت زمان قرنطینه زائران و حجاج ایرانی انجام دهد تا رنج کمتری را متحمل شوند.

در منابع دیگر نیز بر این مسئله صحه گذاشته شده و چنین آمده: «اوضاع بهداشتی نامناسب نیز بر مسائل و مشکلات زائران اضافه شده و گاهی باعث می‌شد کاروان‌های زیارتی روزهای پی‌درپی در این قرنطینه‌ها متوقف و نگاه داشته شوند» (درینگل، ۱۳۸۴: ۹۲). به احتمال، برنامه زمانبندی مدونی در حوزه بهداشت و حضور در قرنطینه‌ها برای زائران وجود نداشت و بنا به شرایط هر قرنطینه تعیین می‌شده است؛ از تعداد روزها تا شکننده بودن همان قانون که مهلتی را برای تمدید زمان قرنطینه تعیین می‌کردند، شاهد بر این مدعاست. همین مسئله فرضیه داشتن برنامه بهداشتی منسجم برای مبارزه با بیماری و یا عدم شیوع آن در قرنطینه‌ها را زیر سؤال می‌برد.

۲- قرنطینه اجباری و غیرضروری و کوشش برای رهایی از آن

زمانی که در مسیر زائران ایرانی عتبات قرنطینه ایجاد می‌شد، همه افراد باید بدون قید و شرط در محل‌های تعیین شده حاضر می‌شدند و شرط عبور از راه به طور الزامی گذراندن دوره اجباری قرنطینه بود. گاه این مکان‌ها در فواصل کوتاهی از هم قرار داشت و هزینه‌های آن نیز از زائران عتبات گرفته می‌شد. تهدید جان و مال زائران در پس قرنطینه‌های اجباری و غیرضروری و رنج‌هایی که برای زائران در پی داشت، باعث می‌شد تا افراد حاضر در مرزهای زیارتی تمام تلاش خود را برای عبور از قرنطینه‌ها و متوقف‌نشدن انجام دهند و یا در صورت اقامت اجباری در پی راه فرار باشند.

اسناد موجود نشان می‌دهد که قصد عدم‌توقف و یا گریختن سبب درگیری و بروز گرفتاری برای مأموران می‌شد. حاج سیاح محلاتی نقل می‌کند که: «در جریان یکی از

۱. به معنی اسهال

همه‌گیری‌های وبا در عتبات، در مرز کرمانشاه قرنطینه برقرار شد و هنگامی که یکی از علما و همراهانش و بخشی از مردم و زائران وارد کرمانشاه شده و مأموران قصد داشتند آنان را در قرنطینه نگه دارند بعضی از ملتزمین از مطاوعت این کار خودداری کردند و کار به مناقشه رسید» (سیاح، ۱۳۵۹: ۵۳۵).

یکی دیگر از مواردی که اعتراض زائران را در پس قرنطینه‌های اجباری برمی‌انگیخت، این است که گاهی مأموران عثمانی نه تنها نفرات مشکوک به بیماری، بلکه تمام افراد یک کاروان را به اجبار چندین روز در قرنطینه نگه می‌داشتند.

سوءاستفاده مالی: قرنطینه دروازه‌ای برای فساد مالی و رشوه‌خواری

گاهی قرنطینه بستری برای سوءاستفاده‌های مالی و رشوه‌خواری بود و برای زائرانی که راه عبور موفق را نمی‌یافتند، روش‌های دیگری از جمله مسائل مالی مطرح می‌شد. برای نمونه، در گزارشی که ۱۵ صفر ۱۳۰۷ / ۱۱ اکتبر ۱۸۸۹ در باره وبایی که در کرمانشاهان منتشر شده بود، به تهران خبر رسید که دلیل شیوع را گذر چند تن از بیماران از قرنطینه با پرداخت رشوه و پیشکش و تعارف دانسته‌اند و چنین آورده است که: «در کردستان چنین شهره است که دلیل ظهور عارضه در کرمانشاهان این بود که تعدادی از یهودیان بغداد گریخته، به سمت ایران می‌آمدند. در خانقین قراولان حسام‌الملک مانع ورود شدند، هر نفر بیست لییره تعارف و رشوه دادند و به اجازه و اذن حسام‌الملک به کرمانشاهان آمده و به محض ورود آنان ناخوشی بروز کرد. دیگر صدق و کذب این خبر معلوم نیست» (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۸۱).

گذراندن دوره قرنطینه برای زائران ایرانی رایگان نبود، بلکه می‌بایست هزینه اقامت این دوره را تقبل می‌کردند که در برابر هر پنج روز یک‌بار سه هزار و یک عباسی ثبت شده است (سفرنامه کربلای معلی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۱؛ ادیب‌الملک، ۱۳۶۴: ۷۳)؛ البته تعداد زیادی از زائران قادر به پرداخت آن نبودند. جمع این هزینه‌ها بهای گزافی برای ایرانیان عازم عتبات می‌شد و گاه مبلغ به قدری بالا بود که اغلب در پایان سفر دچار مشکل مالی می‌شدند. علویه خانم کرمانی در بخشی از سفرنامه عتبات خود مطرح می‌کند که خرج سفرشان تمام شده «سر زمستان سرما، بی‌خرج و مخارج، دو ماه راه، نه کسی به قرض می‌دهد، نه پول دارم، مانده‌ام متحیر که چه بکنم» (علویه خانم کرمانی، ۱۳۸۹: ۹۷).

در اسناد دیگری به گرفتن وجوه و اخاذی از زائران ایرانی تحت عناوین مختلف اشاره شده است. در ابتدای کار موضوع دریافت پول از زائران و مسافران جریانی قانونی انگاشته

می‌شد و هر دو کشور آن را اجراء می‌کردند. با افزایش تعداد شکایت‌های مردمی از این روال، کارگزاران به فکر حل و فصل این مشکل افتادند و قرار را بر ترک این امر گذاشتند. فؤاد پاشا، ناظر امور خارجه عثمانی در ۶ رجب ۱۲۷۹ / ۲۸ دسامبر ۱۸۶۲ رقعۀ‌ای به سفارت ایران در اسلامبول نوشت که در آن ضمن برشمردن آسیب‌های دریافت پول به وسیله دو دولت ایران و عثمانی و همچنین عدم وجود امکانات کافی برای زائران و مسافران، از دولت ایران درخواست کرد تا پزشکی از جانب دولت ایران و پزشکی هم از سوی دولت عثمانی مأمور به تأسیس بیمارستان و امکانات کافی در سر مرزها شده و ایجاد قرنطینه صرفاً مشروط به درخواست آنها باشد (کاووسی‌عراقی، ۱۳۸۱: ۳۶۶). پس از پیگیری‌های پی در پی و بعد از گذشت مدت زمانی، دریافت وجه از زائران تحت عنوان قرنطینه ممنوع گردید. اما به علت فقدان نظارت لازم، گرفتن وجه همچنان به شکل غیرقانونی و با بهانه‌های مختلف ادامه پیدا کرد و این مسأله سبب شکایت و گلایه مردم می‌شد. به عنوان مثال، گاه مسافران و زائران را در نقطه‌ای اسکان می‌دادند و تحت عنوان "کریه محل" مبالغی از آنان دریافت می‌کردند یا با ارباب و تهدیدات متفاوت آنها را سرکیسه و چپاول می‌کردند (کاووسی‌عراقی، ۱۳۸۱: ۳۶۹).

عدم نظارت بر قرنطینه‌ها از سمت حکام، فقدان قوانین مشخص و خودسری مأموران قرنطینه‌ها سه عاملی بودند که سبب شده بود تا زائران ایرانی عتبات به روش‌های مختلف و به شرح ذیل مورد سوءاستفاده قرار گیرند.

الف - مطالبه انواع مالیات‌ها و دریافتی‌های قانونی و غیر قانونی از زوَّار

در مرزهای ایران و عثمانی دوره قاجار هزینه‌هایی که تحت عنوان «مالیات بهداشتی» از حجاج و زائران ایرانی دریافت می‌شد، بسیار قابل توجه بود تا جایی که اعتراض مردم و دولت‌مردان ایرانی را برانگیخت.

دولت عثمانی هزینه‌های تحمیلی برای ساخت ایستگاه‌های قرنطینه و نگهداری از آن و نیز پرداخت حقوق پزشکان و کارکنان اداری و گمرکی را دلیل وضع این مالیات‌ها می‌دانست (نفیسی، ۱۳۶۴: ۶۳)؛ که باید از زائران اخذ می‌شد، اما سخت‌گیری کارگزاران و مأموران دولت عثمانی، در ظاهر به دلیل حفظ سلامت و بهداشت و پیشگیری از سرایت بیماری‌های وبا و طاعون بود، اما عایدی خزانه دولت از این رویه در این سخت‌گیری‌ها بی‌تأثیر نبود

(نفیسی، ۱۳۶۴: ۶۴). این دریافتی‌ها تحت عنوان هزینه اجباری و شامل تمام هزینه‌های قرنطینه بود.

ب- ضبط اموال در قرنطینه‌ها

همانطور که اشاره شد، برخی از زائران عتبات ایرانی مجبور بودند در مقاطع مختلف سفر خود، مدتی را در قرنطینه بگذرانند. اما در صورت فوت در این قرنطینه‌ها، اموال آنان توسط مأموران عثمانی ضبط می‌شد که اسباب نارضایتی را فراهم می‌کرد. نایب‌الصدر شیرازی در سفرنامه عتبات خود گزارش این اتفاق را چنین می‌نویسد: «هر کس پیوسته در توقف قرنطینه مُردی اموال و ستورش را ضبط کرده و به غارت می‌بردند و افزون بر پنج روز مستمری ده روز دیگر این گروه از زائران را نگه داشته و در وادی سرگشتگی می‌گذاشتند [...] چنان کار به زوَّار تنگ آمده بود که در روزی صد نفر از ایشان تلف می‌شدند» (نایب‌الصدر شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

رفتار مأموران مرزی با زائران ایرانی عتبات

رفتار مأموران مرزی بنا به شرایط و جایگاه سیاسی زوَّار متفاوت بود، اما غلبه بدرفتاری مأموران عثمانی با زائران ایرانی گاه به حدی زیاد بود که سبب شد تا در سال ۱۳۲۹ ق. ایرانیان مقیم عتبات نامه‌ای برای دومین دوره مجلس شورای ملی بنویسند و از این موضوع گلایه کنند. در این نامه مشکلات زوَّار اعم از تعداد زیاد قرنطینه‌ها (نمودار شماره ۱)، آسیب‌های مسیر راه، دریافت پول‌های بی‌حساب، صدمه و ضربه به زوَّار و حتی قتل آنان مطرح شده است. متن نامه بدین شرح است: «[...] آیا به سمع مبارک نرسید که در ناخوشی سال گذشته در بلاد عثمانی چه بر سر زوَّار بیچاره آوردند. در خانقین قرنطینه در قزل‌آباد قرنطینه در شهریان قرنطینه در بغداد قرنطینه [...] در محمودیه قرنطینه در مصیب قرنطینه در کربلا قرنطینه در اثنای راه نجف قرنطینه در نجف اشرف قرنطینه مراجعت از نجف اشرف قرنطینه باز در کربلای معلی قرنطینه از کربلا تا کاظمین منزل بمنزل قرنطینه در کاظمین (علیه السلام) قرنطینه از کاظمین تا سامرا را قرنطینه مراجعت از سامرا را به کاظمین قرنطینه از کاظمین (علیه السلام) تا به خانقین باز منزل بمنزل قرنطینه و در هر قرنطینه چند گونی پر از قرآن می‌شد که خرجی آن بیچاره‌ها بود. بسیاری از این بیچاره‌ها از بی‌خرجی و گرسنگی می‌مردند و بسیاری از آنها به ضرب گلوله مأمورین عثمانی کشته می‌شدند و بعضی را به زهر و دوا مقتول می‌ساختند تمام این قرنطین‌ها و مردن و مقتول شدن و پول دادن که به سمع مبارک رسید

همه مخصوص زوار بیچاره بی کس بی صاحب ایرانی بود نه برای رعایای اجانب بود چنان معلوم می نمود که از روز ازل ایجاد و اختراع قرنطینه مخصوص عجم ها شد نه برای دیگران نمی دانیم این عجم ها چه کردند که باید به چنین عقوبت ها دچار شوند نمی دانیم [...] چه شدند آن شاهان عالی مقدار که از تمام سلاطین روی زمین باج می گرفتند چه شد که امروزه ما باید باج به شغال بدهیم [...]» (کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): س ۱۶۰، ۶۱، ۲۹، ۴، ۲-۱۳۲۹ق.).

نمودار ۱: تعداد قرنطینه های مسیر زیارتی بر اساس نامه ایرانیان مقیم عتبات (۱۳۲۹ق.).

مسیر رفت:

خانقین ← قزل آباد ← شهربان ← بغداد ← محمودیه ← مصیب ← کربلا ← نجف

مسیر برگشت:

نجف ← کربلا ← کاظمین ← سامرا ← (بازگشت به کاظمین) ← خانقین

تعداد کل قرنطینه ها در یک سفر کامل: حداقل ۱۵ قرنطینه

آنچه از این نامه می توان دریافت کرد، تعدّی گسترده به اتباع ایرانی در عثمانی است که به دلایلی از قبیل هویت مذهبی متفاوت، تابعیت سیاسی و رقابت مرزی بود؛ اینکه به بهانه بیماری فقط ایرانیان مورد سخت گیری قرار گیرند و این قوانین شامل حال همه افراد نشود، فرضیه تبعیض مذهبی- سیاسی در مرزهای عثمانی دوره قاجار را پررنگ می کند.

این بدرفتاری ها سبب شده بود که حتی اعتراضاتی از بدنه حکومت هم به مسئولان حاضر در ایران بشود. نامه کنسولگری ایران در بغداد به وزارت امور خارجه که از نظارت پی در پی مأموران عثمانی بر کاروان های زائران ایرانی و مطالبه مکرر عوارض گمرکی از آنان شکایت دارد و تأکید می کند و می نویسد: «از جمله خواری های بزرگ زائران ایران آن است که به هنگام ورود به خانقین، کالاها و اموال آنان را گمرکی ثبت نموده و رسید دریافت می کنند؛ مع الوصف بار دیگر در شهربان و قزل رباط نیز به بهانه بازرسی و به منظور پیشگیری از فرار مال از چشم گمرک در بدو ورود مانع پیشروی آنان شده و بار و بنه را بر روی هم می ریزند تا بدان جا که حتی درون کجاوه ها و بقچه ها و جامه های زنان و مردان را

نیز بررسی می‌کنند که این فقره، مشقتی عظیم برای زائران و مایه رسوایی است. بار دیگر نیز در ورود به کاظمین، در سر پل معظم، بازرسی‌ها را انجام داده و عوارض دریافت می‌کنند» (آرشیو وزارت امور خارجه ایران: س ۱۰۹-ک ۱۴-۱۳۱۶ق.).

لازم به ذکر است که دولتمردان و شاهزادگان قاجاری از این قاعده مستثنی بودند و با تکریم و پذیرایی دولتمردان عثمانی به این دیار وارد می‌شدند. در واقع، قسمتی از سفرنامه‌های رجالی مانند ناصرالدین شاه، فخرالملک، حسام‌السلطنه، عضدالملک و فراهانی به وصف مراسم استقبال مقامات عثمانی از این بزرگان اختصاص یافته است. حتی اشخاصی نظیر علویه خانم کرمانی، وقارالدوله بیوه ناصرالدین شاه و مهرماه خانم عصمت‌السلطنه دختر فرهاد میرزا نیز از این عنایات و توجهات بی‌بهره نماندند. اما این خوش‌آمدگویی‌ها تنها به بزرگان و اشراف محدود می‌شد و عامه مردم همانگونه که پیش‌تر ذکر شد، به بهانه‌های گوناگون از جمله قرنطینه، مورد آزار و گزند مأموران عثمانی قرار می‌گرفتند؛ چنانکه حتی اعیان و اشراف نیز بر این رنج‌ها گواهی داده‌اند. عصمت‌السلطنه با اظهار ناخشنودی از این واقعه چنین نگاشته است: «بسیار شگفت است که دولت این‌گونه تسلیم و تمکین کرده است که این همه ذلت و خواری بر سر زائران و حجاج آوار کنند» (عصمت‌السلطنه، ۱۳۸۹: ۳۰۵). علویه خانم کرمانی هم می‌نویسد: همین‌گونه برخوردها موجب گشته تا سفرنامه‌نویسان، عرب‌ها را بدتر از شمر و یهودی و لئیم، رذل و بی‌حیا بدانند (علویه خانم کرمانی، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۵).

هنگامی که توده‌های عظیم جمعیت وارد قرنطینه می‌شدند، بدرفتاری و گزند مأموران مرزی نسبت به زائران ایرانی جلوه‌ای دیگر به خود می‌گرفت. چنانکه برخی از مأموران عثمانی هم به فکر سوءاستفاده از شرایط می‌افتادند؛ مسأله‌ای که طی زمان‌های کوتاهی باعث بروز مناقشه‌های مختلف می‌شد و در نهایت منجر به مکاتباتی در این خصوص می‌گردید. به عنوان مثال، در نامه‌ای به تاریخ ۲۴ شعبان ۱۲۹۶ق. از کارپردازی بغداد به وزارت امور خارجه وضعیت اسفبار قرنطینه در کربلا را گزارش می‌دهد و از تعدیات مأمورین قرانتین شکایت می‌کند. در نامه‌ای دیگر نیز فردی به نام حاج محمدحسن قزوینی از اذیت و آزار مأموران قرنطینه شکوه و شکایت کرده و از دولت درخواست رسیدگی به احوال آنان که در قرنطینه محصور گشته‌اند را دارد (کاووسی عراقی، ۱۳۸۱: ۳۸۰-۳۷۹).

قرنطینه و بی‌توجهی به مسائل شرعی

اسنادی در دست است که گواهی می‌دهد مأموران قرنطینه در مواجهه با زائران، موازین و مسائل شرعی را رعایت نمی‌کردند و همین بی‌اعتنایی، موجب بروز نزاع و درگیری میان آنان

و مردم می‌گشت (کاووسی‌عراقی، ۱۳۸۱: ۳۹۸). گاهی نیز دولت‌مردان عثمانی به قصد تحقیر زوار و دیپلمات‌های ایرانی اقدام به ایجاد قرنطینه می‌کردند. میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر دولت ایران در اسلامبول، مکتوبی به دولت علیّه نگاشته و در آن از رفتار ناشایست، خلاف شرع و غیراخلاقی و بی‌مروت مأموران عثمانی با زائران ایرانی پرده برمی‌دارد و چنین می‌نویسد: «چون زوار که اکثرشان اهل شأن و مردمان آبرومندند به گمرک داخل می‌شوند، چندان هتک حرمت بر ایشان می‌رود که تصوّر مافوق بر آن متعذّر است. مثلاً جامه‌های نسوان را که در میان مسلمانان اصل ناموس و کانون حیا شمرده می‌شود، در برابر دیدگان عام به بی‌اعتنایی می‌گشایند و انواع خفت و تحقیر بر آنان وارد می‌آورند و به همین مقدار اکتفا نکرده، عمده گمرک‌خانه به زعم خود از برای احتیاط دست در زیر چادر بانوان محترم برده سینه و پشت ایشان را تفحص می‌کند و نام این فعل رکیک و رذیلانه را "حفظ انتظام منافع گمرک" می‌نهند. پس از آن بر جنازه‌های مسلمین و مسلمات که برای نقل به مشاهد مشرفه عراق عرب آورده می‌شود نیز به قصد استحصال منفعت، ستمی دیگر روا می‌دارند: میخ‌های آهنین برگرفته، بر بالین جنازه آمده نخست از تابوت ایراد می‌گیرند، سپس میّت را از تابوت بیرون کشیده، از کفن جدا می‌سازند و چندین بار آن میخ‌ها را به بدن بی‌جان او فرو می‌کنند، به بهانه آنکه معلوم گردد از امراض مسریّه مرده یا از علل عادی. اگر صاحبان جنازه حاضر باشند، پنهانی وجهی ستانده، اجازه حمل می‌دهند؛ وگرنه سی چهل جسد را در گودالی فرو ریخته، مشتی خاک بر سر آنان می‌ریزند. و این‌گونه حرکات است که دل یک ملت را از محبت فطری برمی‌کند و آن را بدل به دعوا و دشمنی می‌نماید (معتمد، ۱۳۲۶: ۶۹-۶۸).

پس از این تعرّضات پیاپی مأموران عثمانی نسبت به زائران ایرانی، دولت ایران ناچار شد که به مدت چهار سال، آمد و شد کاروان‌های زیارتی به عتبات عالیات را ممنوع و مسدود اعلام بدارد (معتمد، ۱۳۲۶: ۱۶۹). تجربه بی‌توجهی به احکام شرعی در این قرنطینه‌ها به قدری انباشتگی دارد که حکومت ایران را مجبور به توقف چهار ساله زیارت می‌کند؛ امری که در میان جامعه ایرانی مشتاق زیارت بارگاه امامان مدفون در عراق اندوهی بزرگ بوده است.

وادی سوم: خروج از قرنطینه و آرزوهای معطوف به آینده

در این بخش می‌توان رابطه تجربه و انتظار را مطابق ایده کوزلک در فضای قرنطینه بررسی کرد. تجربه زیسته آنان در خاطرات دوران فوق حکایت‌هایی از انتظار و بهبودی در آینده دارد و این تجربه پسینی در بخش‌های زیر طرح شده است.

پایان قرنطینه: رهایی یا انتقال رنج

خروج از قرنطینه برای بسیاری از زائران، پایان رنج‌ها نبود. ابتلاء به بیماری‌ها در قرنطینه، تلفات مالی و آسیب‌های روحی ناشی از تحقیرها تا مدت‌ها همراه آنان باقی می‌ماند، چنانکه در برخی از موارد به آنها اشاره شد.

۱- ارزیابی کارآمدی قرنطینه‌ها: موفقیت یا شکست

موفقیت یا شکست قرنطینه در رسیدن به اهداف، صرف نظر از اغراض مختلف برگزاری و مسائل پیرامون آن قابل توجه بوده که از دو منظر مورد بررسی قرار گرفته است.

الف- موفقیت نسبی و مقابله با شیوع بیماری‌ها

چنانکه گذشت، مهم‌ترین دلیل برگزاری قرنطینه جلوگیری از شیوع بیماری و مقابله با آن بود. در سال ۱۳۱۸ ق. معتمدالسلطان احتشام‌الحکماء از جانب دولت ایران مأمور گردید تا برای رسیدگی به اوضاع بهداشتی زائران و کیفیت حمل‌ونقل جناز به قصرشیرین عزیمت نماید که وضعیت را چنین گزارش می‌دهد: «در سنه ۱۲۹۴ ق. / ۱۸۷۷ م. در بلاد عراق به سبب آلوده شدن آب فرات مرض مُسری وبا پدید آمد و شیوع یافت. از آن‌جا که جماعتی از ایرانیان پیوسته در رفت و آمد آن دیار بودند، برخی از ایشان به آن بلا مبتلا گشتند. بدین جهت از جانب هر دو دولت، اطبایی برای انجام خدمات صحیّه و معاینه زائران ایرانی مأمور گردیدند» (آرشیو وزارت امور خارجه، پ ۸- ک ۱- ۱۳۱۸ ق.). در رابطه با اینکه حضور پزشکان در جهت جلوگیری از بیماری مؤثر بوده یا خیر؟ گزارشی در اسناد و خاطرات ثبت نشده است. میزان موفقیت قرنطینه را در چند امر مهم زمان، مکان و شرایط می‌توان سنجید. این امور ناشی از تجربه زیسته است و انتظار در آینده را رقم می‌زند. محدودیت منابع، مانع دستیابی به نتایج قطعی سنجش فوق است، اما می‌توان از خلال خاطرات، اسناد و نوشته‌های افراد به چند نتیجه‌گیری کلی دست یافت.

ب- شکست ساختاری و فاصله هدف با کارکرد واقعی

هدف نهایی برگزاری قرنطینه کاستن از مرگ‌ومیر انسان‌ها بود، اما شرایط قرنطینه‌ها طوری بود که نه تنها از بیماری‌ها جلوگیری نمی‌کرد و از کارکرد واقعی فاصله می‌گرفت، بلکه افراد سالم را به بیماری دچار می‌کرد. سوءمدیریت در قرنطینه فقط منجر به گسترش بیماری نمی‌شد و کمبود و یا نرساندن دارو به بیماران و کمبود غذا نیز به مشکلات زائران

دامن می‌زد. عبدالغفار خان منجم‌باشی در سفرنامه خود به این موضوع اشاره داشته و چنین گفته است: «بسیاری از زائران و حُجّاج درمانده را در فضای تنگ انبارها و بر سطح کشتی‌ها گرد آوردند؛ چه توان گفت از مشقّت و رنجی که بر آن جماعت بی‌پناه رفت! گروهی کثیر از عفونت هوای انبارها و فقدان تدبیر در دارو و غذا بیمار شدند و جمعی نیز جان باختند و در آب دریا در بطن ماهیان مدفون گشتند» (قاضی عسگر، ۱۳۸۲: ۱۰۱). اما طبق اسناد و اطلاعات باقی مانده آنچه که در قرنطینه‌ها رخ می‌داد، متفاوت از هدف برگزاری آن بود و در جهت عکس اتفاق می‌افتاد و آن افزایش بیماری و به تبع، فزونی مرگ‌ومیرها بود. عضدالملک حامل خشت‌های طلا نیز از شیوع بیماری طاعون در کربلا خبر داده، به طوری که در بازگشت از آنجا مجبور به گذراندن دوره قرنطینه می‌شود و می‌گوید دوره‌ای که افراد سالم و دولتمردان «مانند شخصی که از شعله آتش احتراز نمایند از ما دور می‌نمودند» (عضدالملک، ۱۳۷۰: ۱۷۵-۱۷۴)؛ این سخنان نمایانگر شرایط وخیم قرنطینه‌های زائران و حجاج بوده است.

همانطور که گذشت، قانون قرنطینه برای تمام زائران به شکل برابر و یکسان اعمال نمی‌شد و ملاحظات و استثنائاتی را در باب اشخاص خاص به‌ویژه زنان زائر ملحوظ می‌داشتند. سندی در آرشیو اسناد وزارت امور خارجه در تأیید این موضوع وجود داشت که ژنرال قنصل ایران در بغداد^۱ نگاشته و ارسال کرده است که: «در باب عزیمت حجت‌الاسلام مامقانی و همراهان ایشان به عتبات عالیات و درگذشت یکی از بانوان همراه بر اثر وبا در شهر خانقین و اجرای قرنطینه از جانب عثمانی‌ها و ممانعت از عبور زائران و همچنین تلگراف نظام‌العلماء و محمدتقی مجتهد در خصوص این واقعه است» که ملاحظات خاص نسبت به محدودیت حضور برخی از افراد در قرنطینه را نشان می‌دهد (آرشیو وزارت امور خارجه ایران: س ۴۳- پ ۶- ک ۶- ۱۳۲۲ ق.).

نگهداشتن هم‌زمان افراد بیمار و یا مردگانی که بر اثر بیماری همه‌گیر از دنیا می‌رفتند با افراد سالم در قرنطینه و عدم رعایت بهداشت باعث افزایش مرگ‌ومیر زائران ایرانی حاضر در مرزهای ایران و عثمانی می‌شد. با توجه به اینکه قرنطینه یک راهکار بدون جایگزین برای کنترل بیماری و پیشگیری از آن بود، اگر با رعایت جوانب بهداشت و عدم دخالت مسائل مالی و به صورت کاملاً دولتی و نه به شکل خصوصی (که هزینه آن از زائران دریافت می‌شد و زمینه تعدی به حقوق زائران را فراهم می‌کرد) و با نظارت‌های بهداشتی دقیق و امکانات

^۱ ژنرال کنسولگری در بغداد نقش سفارت را داشته و به وزیر امور خارجه گزارش ارسال می‌کند.

آن روز اجراء می‌شد، می‌توانست تأثیر به‌سزایی در عدم اشاعه بیماری و کاستن از مرگ‌ومیر زائران داشته باشد. هر چند که قرنطینه در برخی مقاطع به صورت محدود می‌توانست اثرگذار باشد و هدف آن جلوگیری از بیماری و شیوع آن بود، اما تأخیر در برقراری قرنطینه پس از گسترش بیماری، استاندارد نبودن محل و رعایت نشدن شرایط بهداشتی و وجود اهداف پنهان دیگر از موفقیت آن می‌کاست.

نتیجه‌گیری

مرزهای زیارتی ایران و عثمانی در دوره قاجار موقع شیوع بیماری شاهد برقراری قرنطینه‌ها بود و انتظار می‌رود که کارکرد واقعی آنها کنترل برای عدم اشاعه بیماری‌ها باشد. اما تجربه زیسته حاضران در این قرنطینه‌ها یعنی زائران ایرانی عتبات عراق نکات تاریخی مهم و وجوه دیگری از قرنطینه را به ثبت رسانده که می‌توان مانند یک منبع معتبر تاریخی و اجتماعی بدان نگرست که در پی بازخوانی اتفاقاتی است که از دیدگاه تاریخ‌پژوهان مغفول مانده است؛ تجربیاتی که به صورت جزئی سوء استفاده‌های مالی، دریافت وجوه زیاد و بدون حساب و کتاب از زائران، ضبط اموال و تعدی به حقوق آنها را مطرح می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تجربه قرنطینه برای زائران ایرانی، صرفاً یک رویداد بهداشتی نبوده، بلکه به مثابه یک آزمایشگاه اجتماعی عمل کرده که در آن انباشتی از دانسته‌ها و تجربه‌های ناموفق گزارش شده است. خاطرات نگاشته شده و روایت ضبط‌شده در اسناد رسمی حکومتی کنسولگری‌های ایران در عثمانی و وزارت امور خارجه از آسیب‌هایی حکایت دارد که در جریان قرنطینه‌ها رخ داده‌اند؛ مسائلی مانند بدرفتاری مأموران مرزی و عدم رعایت مسائل شرعی از جانب آنها که اعتراض زوار و حتی کارگزاران ایرانی را در پی داشته است. این تجربه زیسته افقی از انتظارات را برای اصلاح در آینده می‌تواند شکل داده باشد که در قالب روایت فردی به شکل گلایه و یا اعتراض با ارسال عریضه و نامه و یا ثبت به صورت سفرنامه بوده که در عین حال یک آگاهی ملی را به وجود آورده بود. اما مسئله مهم از دیدگاه ایرانیان حاضر در این قرنطینه‌ها، ناکارآمدی آن برای حفظ سلامتی زائران و بیمار شدن افراد سالم در قرنطینه‌های غیربهداشتی بود؛ چالشی که زائران ایرانی در جریان سفر به عتبات با آن مواجه بودند و کوشش می‌کردند به روش‌های مختلفی آن را مدیریت کنند.

تجربه قرنطینه زائران ایرانی عتبات ممکن است برخلاف تصور رایج که آنها را صرفاً روایت‌هایی از جنس رنج و شکایت می‌پندارد، در واقع لایه‌های عمیقی از آگاهی تاریخی،

بررسی تجربه قرنطینه و پیامدهای آن از منظر زائران ایرانی عتبات در دوره قاجار □ ۱۰۳

دیپلماسی عمومی و فرهنگ مرزی را بازنمایی کند. این تجربیات می‌تواند به عنوان حلقه مفقوده در مطالعات تاریخی و روابط بین‌الملل، فهم ما را از پیامدهای انسانی توافقات سیاسی و نحوه شکل‌گیری هویت ملی در مواجهه با دیگری تکمیل کند و از کنار تجربیات افراد (زائران عتبات در این مقاله) به راحتی عبور نکنند.

پیش از انتشار



مجلس شورای ملی

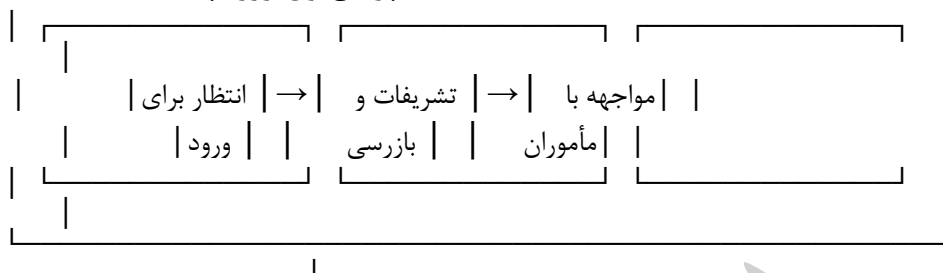
سواد
اداره
مهر
مورخه

متن در دست خط کمال پاشا در روز هفتم از کتب خطی در کتابخانه مجلس شورای ملی
عم قرآن میگردید بهل حکایتی بر سر بود که سابقاً میفرستادند را با گردن و در صحنه
قیمت یکصد و شصت و شش میگردید در محمودیه قرنیه در محبت قرنیه در کردیه قرنیه در آرازه
قرنیه در نجف از فیه مرعیت از نجف از فیه قرنیه باز در کردیه قرنیه در کردیه
تا کافین منزل بمنزل قرنیه در کافین علیهم قرنیه از کافین تا شرف را قرنیه
مرعیت از شرف را کافین قرنیه منزل قرنیه از کافین علیهم تا کافین منزل
بمنزل قرنیه و در هر قرنیه خفته گشته بود از قرآن میشد که حریفی آن بجای کافین
بجای از به حریفی و کربانی میگردید و بسیار از آنها بفر کوفته نامورین شده و گفته میشدند
و بعضی را از هم و در مقتول میباشند تمام این قرنیهها و مردن و مقتول شدن و دیدار
که بیع بارک سید همه خدمت زوار بجای و یکس به صاحب ایرانی بودند برادران اچان
خفا و معلوم نمیداد که از روز ازل بجای و در حشر قرنیه مخصوص مخصوص عجب شده نه برادر و جوان
نمیدانم این عجب چه کردند که باید بخین عقوبت و در روز نمیدانم حلت و سلطنت به
شهر زار نام چه شده نمیدانم مردان عیون کجا خفته نمیدانم شجاعان شیر مردان
چه بر سرش نه آنکه نمیدانم آن شیر مردان که میزدند از غمت از آن زهرش نه این
کجا نمیدانم چه شده نه افشای عالمی مقدمه که از کافین تمام روز نمیدانم

نامه ایرانیان مقیم عتبات به دومین دوره مجلس شورای ملی و طرح مشکلات زوار اعم از تعداد زیاد قرنطینهها

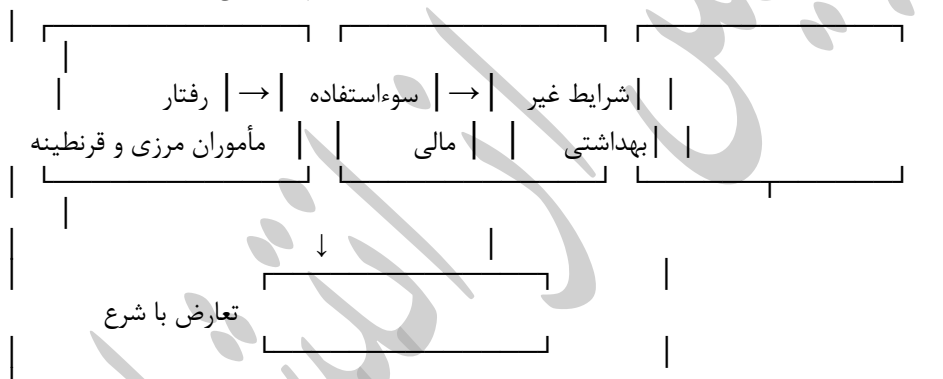
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): شناسه سند: ۱۶۰، ۶۱، ۲۹، ۴۰ - سال ۱۳۲۹ ق.

واادی اول: ورود



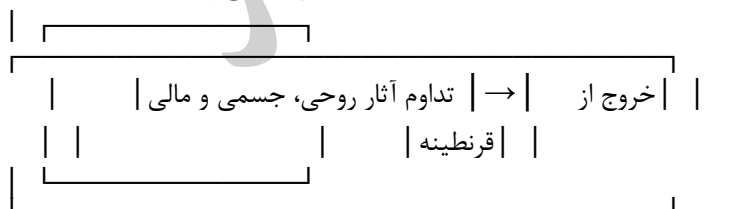
↓

واادی دوم: زیستن



↓

واادی سوم: خروج



منابع و مآخذ

اسناد:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران: سند ۱۶- پرونده ۵- کارت ۲۰- سال ۱۳۱۸ق.

----- سند ۱۰۹- کارتن ۱۴- سال ۱۳۱۶ق.
 ----- پرونده ۸- کارتن ۱- سال ۱۳۱۸ق.
 ----- سند ۴۳- پرونده ۶- کارتن ۶- سال ۱۳۲۲ق.
 کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): شناسه سند: ۱۶۰، ۶۱، ۶۴، ۲- سال ۱۳۲۹ق.

فارسی:

آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، چاپ هفتم، تهران: خوارزمی.
 ادیب‌الملک، عبدالعلی بن علی (۱۳۶۴)، *سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات (دلیل‌الزائرین) ۱۲۷۳ق*، به-تصحیح: مسعود گلزاری، تهران: انتشارات دادجو.
 الگود، سیریل (۱۳۵۲)، *تاریخ پزشکی ایران*، ترجمه: محسن جاویدان، تهران: اقبال.
 جعفریان، رسول (به‌کوشش) [بی‌نا] (۱۳۸۹)، *سفرنامه‌های حج قاجاری سفرنامه عتبات و حج ۱۳۱۷ق*، جلد ۶، تهران: علم.
 بختیاری، شهلا و مژگان صلائی، «مشکلات سفرهای زیارتی زنان مطالعه موردی: زیارت کربلا در دوره دوم قاجار»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، بهار ۱۴۰۰، سال ۱۳، شماره ۴۸، صص. ۳۷-۱۱. مندرج در: (<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286713.1400.13.48.6.9>)
 پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *ایران و ایرانیان*، جلد ۱، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
 چریکف، (۱۳۷۹)، *سیاحتنامه مسیو چریکف*، چاپ دوم، ترجمه: آبکار مسیحی، به‌کوشش: علی‌اصغر عمران، تهران: امیرکبیر.
 حسنلو، امیرعلی، «سیر تاریخی بیماری‌های واگیردار در ممالک اسلامی و نوع مواجهه با آن»، *نشریه پاسخ*، ۱۳۹۹، شماره ۱۸، صص. ۵۰-۲۹.
 درینگل، سلیم، «مبارزه با تشیع در عراق دوران عبدالحمید دوم»، *نامه تاریخ‌پژوهان*، ۱۳۸۴، ترجمه: نصرالله صالحی، سال ۱، شماره ۲، صص. ۳۳-۱۱.
 رابینو، یاست لویی (۱۳۷۴)، *ولایات دارالمرز ایران گیلان*، ترجمه: جعفر خمami‌زاده، رشت: طاعتی.
 رحمانیان، داریوش و آفرین توکلی، «بهداشت و سیاست در دوره رضا شاه (مطالعه موردی: قرنطینه جنوب)»، *مطالعات تاریخ فرهنگی، زمستان ۱۳۸۹*، سال ۲، شماره ۶، صص. ۷۶-۶۱.
 توکلی، آفرین و لیلا مرادی والینی، «قرنطینه‌ی جنوب و تأثیر آن بر رقابت‌های جهانی در جنگ جهانی اول»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی فارس در جنگ جهانی اول*، ۱۳۸۹، صص. ۲۳۶-۲۲۵.
 سپهرکاشانی، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۵۱)، *ناسخ‌التواریخ سلاطین قاجاریه*، جلد ۲، به‌تصحیح: محمدباقر بهبودی، قم: مؤسسه مطبوعاتی دینی.
 سیاح، محمدعلی (۱۳۵۹)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به‌تصحیح: سیف‌الله گلکار، به‌کوشش: حمید سیاح، زیرنظر: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
 طباطبایی‌مجد، غلامرضا (۱۳۷۳)، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه*، تهران: موقوفات دکتر ایرج افشار.

بررسی تجربه قرنطینه و پیامدهای آن از منظر زائران ایرانی عتبات در دوره قاجار □ ۱۰۹

عامری، زهرا و سید احمد حبیب‌نژاد، «اعمال قرنطینه برای کنترل بیماری‌های واگیردار با نگاهی به نظام حقوقی ایران»، *مطالعات حقوق عمومی*، بهار ۱۴۰۰، دوره ۵۱، شماره ۱، صص. ۱۹۰-۱۷۱.

عباسی، محمدرضا و پرویز بدیعی (۱۳۷۲)، *گزارش‌های اوضاع سیاسی، اجتماعی و ولایات عهد ناصری (۱۳۰۷ق.)*، تهران: پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

عصمت‌السلطنه، مهرماه (۱۳۸۹)، *سفرنامه‌های حج قاجاری: سفرنامه مکه*، جلد ۴، به‌کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.

عبدالملک، علی‌رضا خان (۱۳۷۰)، *سفرنامه عضدالملک به عتبات*، به‌کوشش: حسن مرسلوند، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

علویه‌کرمانی، حاجیه خانم (۱۳۸۹)، *سفرنامه‌های حج قاجاری: روزنامه سفر حج*، جلد ۵، به‌کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.

فراهانی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۲)، *سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی*، به‌کوشش: مسعود گلزاری، تهران: فردوسی.

فووریه، ژان باتیست (۱۳۶۸)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، به‌کوشش: همایون شهیدی، تهران: دنیای کتاب.

کاووسی‌عراقی، محمدحسن (۱۳۸۱)، *فهرست اسناد مکمل قاجاریه (جلدهای ۲۳-۱۵)*، تهران: وزارت امور خارجه.

فرهادمعمد، محمود (۱۳۲۶)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.

قاضی عسگر، سید علی (۱۳۸۲)، *حدیث قافله‌ها سفرنامه‌ای شیرین و پرماجرا* (۱۲۹۶ق.)، میرزا عبدالغفار خان منجم‌باشی، تهران: مشعر.

ناظم‌الملک، میرزا محمد خان، «خاطرات: گزارشی از مشکلات راه حج، شرکت لنج و قرنطینه طور سینا (از سال ۱۹۱۴م./ ۱۳۳۲ق./ ۱۲۹۳ش.)»، به‌کوشش: رسول جعفریان، *مقات حج*، ۱۳۹۴، دوره ۲۴، شماره ۹۴، صص. ۱۰۵.

نفیسی، عبدالله فهد (۱۳۶۴)، *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ترجمه: کاظم چاپچیان، تهران: امیرکبیر.

ویلیم، فلور (۱۳۸۶)، *سلامت مردم در ایران قاجار*، ترجمه: ایرج نبی‌پور، بوشهر: مرکز پژوهش‌های سلامت خلیج فارس.

ماشینچی ماهری، شهرزاد، «تأثیر کاروان‌های زیارتی و دفن مردگان در عتبات عالیات بر مناسبات ایران و عثمانی (۱۳۴۳-۱۲۶۴ق.)»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، خرداد ۱۳۹۲، دوره ۴۶، شماره ۱، صص. ۹۳-۱۰۸.

رحمانیان، داریوش و ثریا شهسوار، «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار مطالعه موردی: زوآر و حمل جناز»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، *پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، پاییز ۱۳۹۱، دوره ۴، شماره ۱۳، صص. ۱-۲۰.

کثیری، مسعود و مرتضی دهقان‌نژاد، «قرنطینه‌های ایران در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی»، *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ایران*، آذر ۱۳۹۰، دوره ۴، شماره ۶، صص. ۶۲-۵۰.

کوزلک، راینهارت، «فضای تجربه و افق انتظار: دو مقوله‌ی تاریخی»، *مجله نقد اقتصاد سیاسی*، شهریور ۱۴۰۳، ترجمه: امیر صفری.

معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.

نائب‌الصدر شیرازی، محمد معصوم (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه تحفه‌الحرمین و سعادة‌الدارین ۱۳۰۵ قی، جلد پنجم، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.

لاتین:

ABRIA Ates “Bonesoof (2010), contention: Corpse Traffic and ottoman Iranian”, RRivalry in *studies of south Asia, Africa and the middle*, 30:3 -512-532.

Daniel, Elton L. ed (2002) , Society and Culture in Qajar Iran: Studies in Honor of Hafez Farmayan. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers.

Oxford English Dictionary, 2000:Q.

Reinhard Koselleck (1979) *Vergangene Zukunft: Zur Semantik geschichtlicher Zeiten*, Suhrkamp Verlag, Frankfurt am Main.

The Republic of Ragusa (2021), *Orbis Tertius*.